

# مدیر محترم جریده لامپ - ای مدیر محترم معارف پرور و...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۸۷

## مدیر محترم جریده لامپ

ای مدیر محترم معارف پرور و خیرخواه عموم بشر، ایران وقتی بهشت برین بود و آئینی نازنین داشت اهالی ایران سر دفتر علم و عرفان بودند و دانایان ایران مربی و معلم نوع انسان عزت‌ش پایدار بود و صیت عظمتش جهانگیر اخلاقش فضائل عالم انسانی و اطوارش کمالات رحمانی ولی افسوس که آن روشنائی رو به تاریکی نهاد و اهل ایران با یکدیگر درآویختند تا به طوائف دیگر آمیختند خاک ایران جولانگاه بیگانگان شد و ملل شرق و غرب هجوم کردند و بنیان قدیم ایرانیان به تزلزل آمد و بنیاد برافتاد آن بهشت برین گلخن غمگین گشت و آن افق روشن به ابرهای تیره متواری شد نشانه ای از فضائل پیشین نماند و از اوج عزت به حضيض ذلت افتاد. حال حضرت پروردگار نظر عنایت فرمود و شاهد موهبت آسمانی در خطه ایران جلوه نمود شمس حقیقت طلوع کرد و پرتو عنایت بر آن کشور انداخت و تعالیم آسمانی انتشار یافت و آئینی رحمانی به میان آمد. امید چنان است که پرتو این آفتاب خطه ایران را فضای آسمان نماید یعنی نفوسی تربیت شوند که مانند ستاره های روشن در اوج آن کشور بدرخشند. هر چند حال نفوس مبارکی پیدا شدند که به آئین جدید نخر قدیم گردند و شب و روز جان فشانند و در این سبیل رقص کنان به میدان فدا شتافتند و جان باختند و هر مصیبت و بلائی تحمل نمودند ولی افسوس که هنوز اکثر ایرانیان در خوابند و از این موهبت کبری بی خبر و بیزار صاحب خانه به در خانه آمده ولی اهل خانه در را بر بستند آشنا را بیگانه انگاشتند و یار را اغیار دانستند که ما در



ORIGINAL



AUDIO

این ذلت خوشیم و در این پریشانی و بی سر و سامانی بیسائیم و صاحب خانه را نخواهیم و آئین او را  
نجوئیم از الطاف او بیزاریم و از لطف و عنایت او در کنار این پدر مهربان بیگانه است و لو آن که در نزد  
جمع ملل عالم یگانه و آوازه اش جهانگیر است و صیت بزرگوارش گوشزد غنی و فقیر ملل سائر از  
اطراف جهان فوج فوج به سایه مبارک او درآیند و تعالیم او پذیرند و از خون نعمت او بهره گیرند ولی ما  
مانند بوم در این آشیان ویران راحت و شادمانیم آهنگ مرغ سحر نخواهیم و سایه همای اوج عزت نجوئیم  
ترقیات معنویّه نخواهیم فضائل عالم انسانی نطلبیم و گوئیم که ما توانگریم محتاج این خون نعمت نیستیم  
گنج روان داریم زحمت دل و جان نخواهیم. افسوس هزار افسوس که امریک بیدار شد و ایران در  
خواب غفلت گرفتار ولی امید چنان است که شعاع شمس حقیقت این ابر غفلت را متلاشی نماید و  
افق ایران روشنی به آفاق بخشد یاران بیدار گردند و ایرانیان هوشیار شوند و علیک التّحیّة و الثّناء.

